اعدام جاسوس وطن‌فروش

حسین پدران، اطلاعات سایت‌های نظامی اصفهان را به موساد فروخته بود



حسین پدران که اطلاعات سایت‌های نظامی حساس کشور در استان اصفهان را در اختیار موساد قرار داده بود، به جرم جاسوسی و همکاری اطلاعاتی به نفع رژیم صهیونیستی، بازداشت و محاکمه شد و پس از طی فرآیند قانونی و تأیید و ابرام حکم در دیوان عالی کشور، به سزای اعمالش رسید. حسین پدران از جمله خائنان به کشور بود که تلاش کرده بود با ارسال اطلاعات حساس و طبقه‌بندی‌شده به سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل، در راستای اهداف دشمن عمل کرده و در این مسیر بنا به اعتراف خودش به منفعت مالی دست پیداکند.

پدران در اقاریر خود درباره نحوه ارتباط‌گیری با سرویس‌های جاسوسی گفته است که با انگیزه مالی، با ارسال پیام به سایت CIA خود را فردی دارای دسترسی و ارتباط با ارگان‌های نظامی معرفی و تمایل خود را برای همکاری اعلام کرده است که پاسخی دریافت نمی‌کند. نامبرده در اقدامی مشابه اقدام به ارسال پیام برای سرویس جاسوسی اسرائیل (موساد) کرده و تمایل و درخواست خود را جهت ارتباط‌گیری با آن سرویس اعلام و پس از مدتی پاسخ دریافت کرده است.

بعد از حدود ۱۰ تا ۱۵ روز، افسر موساد با شماره‌ای از هلند در واتس‌اپ به وی پیام داده، خود را «بن» معرفی کرده و از وی کارت ملی خواسته و گفته در زمانی که مشخص کرده، آنلاین باشد. پس از تأیید مشخصات پدران از سوی افسران موساد، نامبرده درخواست‌های سرویس را در بستر فضای مجازی و در قالب گزارش‌هایی برای آنها ارسال می‌کند. پس از مدتی نیز با دریافت آموزش ارتباطات رمزنگاری‌شده، اطلاعات را به صورت فایل‌های متنی رمزشده از طریق ایمیل ارسال می‌کرده است. براساس مفاد پرونده، گزارش‌های حسین پدران به سرویس جاسوسی موساد، شامل ارسال اطلاعات درخصوص اماکن نظامی، کارکنان و اطلاعات شخصی و هویتی آنها بوده است. نیازمندی سرویس از جزئیات افراد مورد تحقیق شامل موقعیت کاری، زندگی، راه‌های ارتباطی، علایق و سرگرمی‌ها، شماره تلفن همسر و جمع‌آوری از ضوابط داخلی محل کار بوده است.

پس از دستگیری محکوم علیه و انجام بررسی‌های فنی و رمزگشایی پیام‌های ردوبدل‌شده میان پدران و افسران موساد، مشخص شد که در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، برخی از اماکن مورد اصابت قرار گرفته و تعدادی از کارکنان آنها به شهادت رسیده یا مجروح شده‌اند و اطلاعات ارسالی سوژه، می‌توانسته تکمیل‌کننده پازل دشمن صهیونیستی برای هرگونه اقدام علیه مواضع و افراد باشد.

در جریان بررسی منزل محکوم‌علیه، دفترچه‌ای حاوی اطلاعات آموزشی مربوط به موضوعات موشکی کشف شد که طبقه‌بندی آن «خیلی محرمانه» بوده و حاوی اطلاعاتی بوده که همچنان قابلیت بهره‌برداری دارد.

حسین پدران در اعترافات خود گفته که چند مرتبه مبالغی به صورت یورو از سرویس موساد دریافت کرده است. افسر موساد نسبت به ارسال قرارداد در زمینه مالی با حسین پدران اقدام می‌کند که در آن به حقوق ماهانه، سالانه و پرداخت هزینه‌ها و پاداش اشاره دارد. پدران در رابطه با نحوه دریافت پول از سرویس موساد گفته است که دو نوبت در تهران و در محلی که لوکیشن داده بودند، رفته که نزدیک یک پل و پشت گاردریل، جعبه‌ای آهن‌ربایی گذاشته بودند که داخل آن پول بوده است. نوبت سوم در تهران و در سرویس بهداشتی یک کافی‌شاپ و نوبت چهارم در اصفهان پول دریافت کرده است.

حسین پدران قبل از تجاوز رژیم صهیونیستی به کشور برای ارتباط خود با سرویس را قطع کرده بود، اما به محض آغاز حمله دشمن، مجددا تلاش می‌کند از بستر تلگرام با سرویس موساد ارتباط بگیرد که با هوشیاری دستگاه‌های امنیتی دستگیر می‌شود.

حسین پدران درنهایت به جرم جاسوسی و همکاری اطلاعاتی به نفع رژیم صهیونیستی به اعدام محکوم شد. پس از رد فرجام‌خواهی وکیل متهم و تأیید حکم در دیوان عالی کشور، حکم اعدام حسین پدران که با همکاری با دشمن صهیونیستی به کشور و مردم خیانت کرده بود، اجرا شد.

رسیدگی دوباره به پرونده قتل دوبرادر برای سرقت

محکمه

حکم قصاص پسری که در ۱۶سالگی دو برادر را با همدستی دوستانش کشته و جسدشان را داخل چاه انداخته بود، در دیوان‌عالی نقض شد. قرار است پزشکی قانونی رشد عقلی متهم ردیف اول پرونده را در زمان قتل بررسی و درباره‌اش اظهار نظر کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات پلیسی درباره ناپدید شدن مرموز دو برادر در یک کارگاه واقع در روستای دهشاد، از نهم آذرماه ۱۴۰۰ آغاز شد؛ پرونده‌ای که بررسی‌های اولیه در آن از وقوع جنایتی هولناک پرده برداشت و در نهایت اجساد دو برادر از داخل چاهی عمیق در همان کارگاه کشف شد.

ماجرا زمانی آغاز شد که یکی از دو برادر که در کارگاه حضور داشت، تلفنی به برادرش خبر داد که سارقان وارد کارگاه شده‌اند. برادر دیگر نیز پس از اطلاع از این موضوع، با خودروی وانت راهی کارگاه شد تا به کمک او برود اما پس از آن دیگر خبری از هیچ‌کدام به‌دست نیامد. با طولانی شدن غیبت دو برادر، خانواده آنها به ماجرا مشکوک شدند و با مراجعه به کلانتری ۱۷ نصیرآباد شهریار، ناپدید شدن آنها را گزارش کردند. با ورود ماموران پلیس آگاهی به کارگاه، لکه‌های خون روی در و کف اتاق نگهبانی مشاهده شد. ماموران با دنبال کردن رد خون، به یک چاه عمیق در محل رسیدند و برای بررسی آن از آتش‌نشانان کمک خواستند. امدادگران طی دو مرحله جست‌وجو داخل چاه، اجساد دو برادر را پیدا کردند.

دستگیری متهمان

کارآگاهان در ادامه با بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل، تصاویری از حضور دو جوان داخل خودروی وانت یکی از مقتولان به‌دست آوردند. با شناسایی یکی از آنها، این فرد بازداشت شد و در تحقیقات ابتدایی به همدستی در قتل دو برادر اعتراف کرد.

متهم در اعترافاتش گفت: می‌دانستم شب‌ها کارگاه خالی است. موضوع را با دو نفر از دوستانم در میان گذاشتم و قرار شد شبانه به آنجا برویم و آهن‌آلات در و پنجره کارگاه را سرقت کنیم. بامداد نهم آذر وارد کارگاه شدیم و در حال جمع‌آوری آهن‌آلات بودیم که دو برادر مانع ما شدند و آنها را کشتیم. پس از این اعتراف، ماموران با دریافت نیابت قضایی راهی تهران شدند و دو متهم دیگر پرونده را نیز دستگیر کردند. با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.



قتل برای سرقت

در نخستین جلسه رسیدگی اولیای دم، درخواست قصاص عامل یا عاملان جنایت را مطرح کردند اما متهمان در جریان دفاعیات خود تلاش کردند مسئولیت قتل‌ها را متوجه یکدیگر کنند. یکی از متهمان اصلی پرونده (سعید) در آن جلسه گفت: دوستانم می‌دانند که آرزویم داشتن خودروست اما به‌خاطر شرایط مالی خودم و خانواده‌ام امکان خرید خودرو را نداشتم. چند روز قبل از ماجرا، دوستم سیروس گفت در شهریار گاراژی را دیده که می‌توانیم به‌راحتی از آنجا سرقت کنیم و من به آرزویم برسم. من هم بلافاصله از پیشنهاد دوستم استقبال کردم. قرار بود فقط سرقت کنیم اما نقشه‌مان خوب پیش نرفت و به قتل منجر شد.

رئیس دادگاه در پایان با توجه به انکارهای متهمان، پرونده را برای انجام تحقیقات بیشتر به دادسرا بازگرداند.

روایت‌های متفاوت در دادگاه

متهمان پس از رفع نقص پرونده، به ریاست قاضی بابایی در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک محاکمه شدند. در این جلسه یکی از اولیای دم گفت: به پای برادرهایم بلوک سیمانی بسته و داخل چاه پرت شده بودند. با توجه به وضعیت متهمان، افراد دیگری نیز در محل حضور داشتند و این کار را انجام دادند.

در ادامه، رئیس دادگاه اتهامات سعید را شامل مباشرت در قتل اصغر، مشارکت در قتل مهدی، مشارکت در سرقت مقرون به آزار، مشارکت در جنایت بر میت، مشارکت در اخفای اجساد مقتولان و شرب خمر به او تفهیم کرد و خواست از خود دفاع کند.

سعید در دفاعیاتش گفت: من بچه تهران هستم و آن زمان ۱۶ سال داشتم. شاهین گفته بود دو برادر در این گاراژ هستند که با دیدن برق قمه می‌توانیم از آنجا سرقت کنیم. بعد فهمیدیم به‌دلیل خصومت شخصی با مقتولان این نقشه را کشیده بود. وقتی وارد گاراژ شدیم، مهدی آنجا بود و ماجرا را به برادرش اصغر اطلاع داد. آنها گفتند داخل اتاقک برویم تا صحبت کنیم. قرار بود پول بدهند و ما سرقت نکنیم. شاهین مدام می‌گفت چهره‌اش را دیده‌اند و باید آنها را بزنم. من هم با قمه یک ضربه به گردن اصغر زدم. بعد پایم به سیم بخاری گیر کرد و برق رفت. همه جا تاریک شد. به سمت مهدی رفتم و او را هم زدم. بعد از قتل، شاهین گفت چاهی اینجا هست که جسدها را داخلش بیندازیم.

رئیس دادگاه درباره نقش شاهین پرسید و سعید پاسخ داد: او سنش زیاد بود و فقط تماشا می‌کرد و ما را جلو انداخت.

درباره نقش سیروس نیز گفت: او به مهدی ضربه‌ای نزد و فقط اصغر را زد.

در ادامه سیروس در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: وقتی سعید به گردن اصغر ضربه زد، من قمه را از دست شاهین گرفتم و چند ضربه به‌دست و پای اصغر زدم. بعد بوی خون حالم را بد کرد و از اتاقک بیرون رفتم.

آخرین متهم (شاهین) نیز اتهامات خود را رد کرد و گفت: من با سیروس برای سرقت صحبت کردم و قرار نبود کسی را بکشیم. سیروس و سعید ساعت ۲۳:۳۰ به شهریار آمدند. اول به گاراژ دامادمان رفتیم. یک پیک مشروب خوردیم و حدود ساعت ۲ سرقت را آغاز کردیم. وقتی دو برادر متوجه ما شدند، خواستند به داخل اتاقک برویم و صحبت کنیم. سعید به اصغر گفت ماشینت را بده تا با آن بار سرقتی را ببریم اما اصغر گفت گردنم را هم بزنی، ماشین نمی‌دهم. همان موقع سعید با قمه به گردن او ضربه زد و برق قطع شد.

پس از رسیدگی به این پرونده، قضات سعید را به دوبار قصاص و دو متهم دیگر را به زندان محکوم کردند. با اعتراض متهمان به رأی دادگاه، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات دیوان عالی کشور حکم را نقض کردند تا با توجه به سن سعید در زمان قتل، رشد عقلی او را بررسی کنند. بدین ترتیب پرونده به پزشکی قانونی ارسال شد تا پس از بررسی رشد عقلی متهم دوباره به آن رسیدگی شود.

بیهوش کردن شهروندان برای دزدی

نظمیه

دستگیری دو سارق که شهروندان را با بیهوش کردن هدف سرقت قرار می‌دادند، کشف ۴۷ دینام کولر سرقتی و دستگیری سارقی که به ۱۳ فقره سرقت خودرو و لوازم داخل خودرو در طرشت اعتراف کرد، مهم‌ترین اخبار پلیس تهران در ۲۴ ساعت گذشته است.

ماموران کلانتری ۱۱۵ تهران با شکایت یک شهروند در جریان سرقت از او به شیوه بیهوشی قرار گرفتند. شاکی در توضیح ماجرا به ماموران گفت: چند روز قبل داخل پارکی در یکی از خیابان‌های تهران نشسته بودم که دو مرد به من نزدیک شدند و مرا بیهوش کردند. پس از این‌که به هوش آمدم، متوجه شدم تلفن همراه، مدارک شخصی و انگشتر طلایم سرقت شده است. با چهره‌نگاری متهمان از سوی شاکی، تحقیقات ماموران برای شناسایی سارقان آغاز شد و در ادامه موفق شدند دو سارق سابقه‌دار را شناسایی و دستگیر کنند. با انتقال متهمان به کلانتری، تحقیقات از آنها برای کشف اموال مسروقه و شناسایی سایر جرایم احتمالی‌شان ادامه دارد.

کشف ۴۷ دینام کولر سرقتی

در پرونده‌ای دیگر، ماموران کلانتری شهرزیبا از مدتی قبل در جریان سرقت‌های متعدد دینام کولر از پشت‌بام‌ها و مشاعات ساختمان‌ها قرار گرفتند. ماموران در نخستین مرحله تحقیقات، سراغ دوربین‌های مداربسته محل‌های سرقت رفته و دریافتند دو سارق با ورود به پشت‌بام ساختمان‌های مسکونی، دینام کولرها را سرقت می‌کنند. در ادامه مشخص شد سارقان اموال سرقتی را به دو مالخر می‌فروشند؛ یکی از مالخران با یک دستگاه خودروی پژو ۲۰۶ به صورت سیار سراغ سارقان می‌رفت و اموال سرقتی را خریداری می‌کرد و مالخر دوم نیز در پوشش یک مغازه‌دار اقدام به خرید اموال سرقتی می‌کرد.

ماموران در ادامه یکی از سارقان را از روی کوله‌پشتی او در خیابان شناسایی و دستگیر کردند که در بازرسی از کوله او، آچارهای مخصوص سرقت کشف شد. متهم پس از انتقال به کلانتری و در تحقیقات اولیه به سرقت دینام کولرها اعتراف کرد و گفت: یک ماه پس از آزادی از زندان، همراه همدستم سرقت دینام کولرها را آغاز کردیم. روز بعد از هر سرقت، اموال را بین یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا سه میلیون تومان به مالخران می‌فروختیم و آنها نیز پول را نقدی یا به‌صورت کارت به‌کارت پرداخت می‌کردند. با اعترافات این متهم، یکی از مالخران شناسایی و دستگیر شد. در بازرسی از خودروی او، دو دینام کولر کشف گردید. ماموران در ادامه سراغ مالخر دوم در جنوب تهران رفتند و موفق شدند ۴۵ دینام کولر سرقتی را از مغازه او کشف کنند. با تکمیل پرونده، هر سه متهم به دادسرای ویژه سرقت معرفی شدند و تحقیقات برای دستگیری متهم فراری این پرونده ادامه دارد.

پایان سرقت‌های خودرو و در طرشت

با افزایش سرقت از داخل خودروها در محله طرشت و اطراف دانشگاه صنعتی شریف و باتوجه به نزدیک شدن زمان بازگشایی دانشگاه‌ها و افزایش تردد در این محدوده، موضوع به صورت ویژه در دستور کار ماموران کلانتری ستارخان قرار گرفت. ماموران با بررسی دوربین‌های محل‌های سرقت، موفق شدند مشخصات ظاهری سارق را به دست آورند. در ادامه با بررسی اطلاعات به‌دست‌آمده و کمک مخبران، هویت و مخفیگاه متهم شناسایی شد و ماموران او را دستگیر کردند. در بازرسی از مخفیگاه متهم، یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ سرقتی کشف و متهم برای بازجویی و تکمیل تحقیقات به کلانتری منتقل شد.

مرد جوان در بازجویی‌های اولیه به ۱۳ فقره سرقت خودرو و لوازم داخل آنها اعتراف کرد. تحقیقات برای کشف سایر جرایم احتمالی متهم ادامه دارد.

پایان ۱۵ سال زندگی با کابوس قصاص

مردی که ۱۵سال زیر حکم قصاص بود سرانجام از سوی فرزندان مقتول بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده اوایل اردیبهشت سال ۹۰ همزمان با وقوع درگیری در مغازه لباس‌فروشی در بازار شهر رشت در دستور کار پلیس قرار گرفت. همزمان با حضور مأموران در آنجا معلوم شد مردی میانسال مصدوم و به بیمارستان انتقال یافته است. مرد ۲۷ ساله که صاحب مغازه بود بازداشت شد. سه فرزند مصدوم به اداره پلیس رفتند و از ضارب شکایت کردند. مرد میانسال بیش از سه ماه بستری بود و درنهایت فوت کرد. مدتی بعد پرونده به دادگاه ارسال شد. متهم جوان محاکمه و فرزندان مقتول خواستار قصاص قاتل شدند. قضات دادگاه حکم به قصاص متهم دادند که این رأی در دیوان عالی کشور تأیید و برای اجرا به دادگستری استان گیلان فرستاده شد. متهم ۱۵ سال زیر حکم قصاص بود و پا به میانسالی گذاشته بود. پس از این مدت، تلاش واحد صلح و سازش دادگستری استان گیلان برای جلب رضایت خانواده مقتول نتیجه داد و خانواده مقتول از قصاص گذشتند. زندانی بخشیده‌شده در تشریح ماجرا گفت: از نوجوانی کار کردم تا پس از گذشت سال‌ها توانستم مغازه لباس‌فروشی‌ای راه‌اندازی کنم. مقتول فرهنگی بازنشسته بود و از من پوشاک می‌خرید و در بازار می‌فروخت. سال ۱۳۸۸ حدود ۶۰۰ هزار تومان به من بدهکار شد و نتوانست آن را پرداخت کند. روز حادثه به مغازه‌ام آمد و جروبحث کردیم. عصبانی شدم و دعوای‌مان بالا گرفت. در ادامه وی را هل دادم که تعادلش را از دست داد، سرش به تیزی دیوار برخورد کرد و کف زمین افتاد. بیش از سه ماه در کما بود که فوت کرد. مرگ او باعث شد قاتل شوم و در زندان بمانم. در این سال‌ها زیر حکم قصاص بودم. دو فرزند مقتول قصاص می‌خواستند اما فرزند دیگرش که استاد دانشگاه بود می‌گفت قصاص نمی‌خواهد و من باید تا آخر عمر در زندان بمانم. در این سال‌ها بلاتکلیف در زندان مانده بودم. مدام به مسئولان قضایی و زندان نامه می‌نوشتم که خسته شدم و می‌خواستم حکم مرا اجرا کنند. پس از ۱۵ سال بلاتکلیفی قاضی اجرای احکام به خانواده مقتول گفت اگر سرنوشت مرا مشخص نکند می‌توانم با سپردن وثیقه به‌طور موقت آزاد شوم.

وی ادامه داد: جلسه صلح و سازش با فرزندان مقتول در اجرای احکام برگزار شد. دو فرزند مقتول مرا بخشیدند اما سومین فرزند این خانواده درخواست وجه‌المصالحه کرد. این پول هم با کمک خانواده، اقوام و خیرین و از طریق قرض و وام تامین و پرداخت شد تا رضایت او نیز جلب شود و از قصاص رهایی پیدا کنم. بعد از ۱۵ سال از زندان آزاد شدم. پدرم در این سال‌ها خیلی تلاش کرد رضایت بگیرم اما فوت کرد و روز آزادی‌ام را ندید. به کمک برادرم و یکی از دوستانم توانستم کاری پیدا کنم و مشغول شوم.

بازداشت مرد افغان در پرونده دختر گمشده

مرد افغان پس از روشن کردن گوشی تلفن همراه دختر گمشده، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی تیر امسال مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران از گم شدن خواهرش خبر داد و برای یافتن او کمک خواست. وی در تشریح ماجرا گفت: خواهر جوانم برای خرید از خانه‌مان در یکی از محله‌های شهر تهران بیرون رفت اما ناپدید شد. تلفن همراهش خاموش شده بود و هر چه منتظرش شدیم به خانه برنگشت. سراغش را از دوستان و اقوام گرفتیم اما کسی از او خبری نداشت. تحقیقات برای یافتن ردی از سرنوشت دختر گمشده آغاز شد تا این‌که با گذشت دو ماه از این ماجرا، دو روز پیش ماموران مطلع شدند تلفن دختر گمشده روشن شده و در اختیار مردی قرار دارد. با دستور قضایی وی در خانه‌ای اجاره‌ای در تهران شناسایی و بازداشت شد. مرد تبعه افغان برای تحقیقات به اداره آگاهی تهران منتقل شد و در تحقیقات گفت: دو ماه قبل وقتی برای دیدن یکی از دوستانم به بوستانی در جنوب تهران رفته بودم به طور اتفاقی این گوشی تلفن همراه را یافتم. اطراف را جست‌وجو کردم اما صاحب آن پیدا نشد. وسوسه شدم، گوشی را برداشته و خاموشش کردم. مدتی گذشت و وقتی فهمیدم صاحبش پیدا نمی‌شود، آن را روشن کردم تا از گوشی استفاده کنم که پلیس مرا بازداشت کرد. دختر شاکی را نمی‌شناسم.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: مرد افغان به عنوان مظنون اصلی در پرونده بازداشت شده و تحقیقات از وی برای رازگشایی از سرنوشت دختر گمشده ادامه دارد.

کوتاه از حوادث

قاتل آقای وکیل پای میز محاکمه

پرونده مرد ورشکسته که به‌خاطر بدهی هفت میلیارد تومانی‌اش به آقای وکیل، او را با خودرو زیر گرفته و کشته بود، با صدور جلب به دادرسی برای محاکمه به دادگاه ارسال شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از چهاردهم خرداد سال گذشته و همزمان با مصدومیت مرد وکیل و همسرش در محله جنت‌آباد تهران در دستور کار پلیس تهران قرار گرفت. معلوم شد راننده خودروی ام‌وی‌ام، آن دو را زیر گرفته است. پلیس به‌دنبال ضارب بود که بعد از سه روز خبر رسید مرد وکیل به‌دلیل شدت صدمات فوت کرده است. ماموران از همسر وکیل تحقیق کردند و مشخص شد قاتل فراری بدهکار شوهرش بوده و این قتل را رقم زده است. متهم تحت تعقیب پلیس بود که دو ماه بعد بازداشت شد. با گذشت ۱۵ ماه از این جنایت، متهم به قتل برای آخرین جلسه تحقیقات به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران انتقال یافت و گفت: کارگاه داشتم و سال‌ها بود در زمینه تولید و فروش میز و صندلی و لوازم چوبی فعالیت می‌کردم. افرادی با من قرارداد کاری بستند و سرمایه‌گذاری کردند. مرد وکیل هم هفت میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کرد و قرارداد نوشت اما بعد از ورشکستگی‌ام کارگاهم در چهاردانگه تعطیل شد. طلبکاران از من شکایت کردند و تحت تعقیب پلیس بودم. روز حادثه از آرایشگاه به خانه آمدم. همسر و مادرزنم را سوار کردم تا به دفتر یک وکیل برویم و برای حل این مشکلات کمک بگیرم. اما آقای وکیل ما را دید و راهم را سد کرد. آن قدر ترسیده بودم که نفهمیدم چطور شد او را زیر گرفتم و متواری شدم. بعد فهمیدم او مرده است. قصد کشتن وکیل را نداشتم و فقط قصدم فرار بود که این حادثه مرگبار رقم خورد. این درحالی بود که والدین و فرزندان مقتول برای قاتل او درخواست قصاص کردند.

سالار صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: پرونده متهم به اتهام مباشرت در قتل عمد با صدور جلب به دادرسی به‌زودی برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال می‌شود.

درگیری خونین در عروسی

فرمانده انتظامی شهرستان بام و صفی‌آباد خراسان شمالی از وقوع درگیری در جریان یک مراسم عروسی در روستای الست علیا خبر داد که یک کشته و چهار مجروح داشت. به گزارش خبرگزاری پلیس، سرهنگ مهدی خانی اظهار کرد: این حادثه در پی درگیری ناشی از اختلافات و خصومت‌های قدیمی در جریان برگزاری مراسم عروسی رخ داد. در این حادثه یک نفر فوت کرد و چهار نفر نیز مجروح شدند که حال یکی از مجروحان وخیم گزارش شده است. متهمان با حضور به‌موقع پلیس دستگیر و پس از طی مراحل قانونی، تحویل دستگاه قضایی شدند.

محیط‌بان زندگی بخشید

اعضای بدن مرد محیط‌بان لرستانی که مرگ مغزی شده بود، با اقدام نیکوکارانه خانواده‌اش به بیماران اهدا شد. به گزارش ایرنا، «حیدر حیدری»، محیط‌بان باسابقه و از نیروهای توانمند محیط زیست لرستان که سال‌ها از حیات وحش و طبیعت پاسداری کرد، پس از سکته و تایید مرگ مغزی، در آخرین ماموریت زندگی نیز به پاسدار حیات تبدیل شد؛ خانواده او با اهدای اعضای بدنش موافقت کردند تا زندگی‌اش در وجود انسان‌های دیگر ادامه یابد.

کشته شدن ۳ دانش‌آموز در فیلیپین

در پی تیراندازی در یک دبیرستان در جنوب فیلیپین، سه دانش‌آموز کشته و هشت دبیرستانی دیگر زخمی شدند که حال چهار نفر از آنها وخیم گزارش شده است. به گزارش خبرگزاری صداوسیما از کوالالامپور، این حادثه در دبیرستان ملی بانگا در استان کوتاباتوی جنوبی در جزیره میندانائو رخ داد. مقام‌های محلی اعلام کردند همه قربانیان این حادثه دانش‌آموزانی ۱۴ تا ۱۷ ساله بودند. دو تن از کشته‌شدگان، یک پسر و یک دختر، دانش‌آموز پایه نهم بودند. براساس اظهارات شهردار بانگا، مظنون تیراندازی که گفته می‌شود ۱۶ ساله و دانش‌آموز همان مدرسه بوده، پس از تیراندازی به سمت دانش‌آموزان، با همان سلاح به زندگی خود پایان داده است. به گفته مسئولان، مظنون سلاح کمری ۹ میلی‌متری را از گاوصندوق خانه برداشته بود و به‌تنهایی اقدام به تیراندازی کرده است.